



آیه تطهیر برهان عصمت امامان

حجة الاسلام و المسلمین سید احمد خاتمی

«شرح زیارت جامعه کبیره» به عنوان عمیق‌ترین متن امام‌شناسی ناب شیعی محور بحث ما بود. در شماره قبل به مناسبت ایام محرم و عاشورای حسینی بحثی پیرامون مبانی عزاداری مطرح کردیم و اینک مباحث شرح زیارت جامعه کبیره را پی می‌گیریم.

■ راهنمایان به صراط خداوند

و ادلاء علی صراطه؛ سلام بر شما امامان معصوم که خداوند شما را به عنوان راهنمایان راهش برگزید.

ادلاء جمع دلیل به معنای راهنماست.

صراط به معنای هر راهی نیست بلکه به معنای بزرگراه است. لکن الزاماً به معنای بزرگراهی که به سوی سعادت رهنمون گردد نیست زیرا که در قرآن صراط جحیم هم آمده است:

«فاهدوهم الی صراط الجحیم»^(۱) پس به راه جهنم هدایتشان کنید» (کسانی را که به واسطه شرک و عناد و کفر ستم کرده‌اند). اما راه سعادت بیشتر در قرآن با تعبیر

صراط مستقیم شده است بر این اساس است که در روایات فراوانی امامان، خود صراط مستقیم معرفی شده‌اند.

در روایتی از حضرت امام صادق(ع) در ذیل آیه شریفه: «اهدنا الصراط المستقیم» آمده است که «هو علی و معرفته»^(۵) صراط مستقیم علی(ع) و معرفت اوست.

در روایتی از حضرت امام باقر(ع) آمده است: «نحن صراط الله المستقیم»^(۶) ما صراط مستقیم خدائیم.

هم خود صراط مستقیم و هم با بیانات و رهنمودهای خود مردم را به صراط مستقیم هدایت می‌کنند.

در روایتی از حضرت امام باقر(ع) رسیده است که:

«معنی علی صراط الله انه الصراط الی الله كما يقال فلان باب السطان اذا كان یوصل به الیه ثم ان الصراط هو الذي علیه علی»^(۷) معنای آنکه علی صراط خداست اینست که اوست که انسانها را به خدا هدایت می‌کند آنچنان که گفته می‌شود فلانی باب سلطان است یعنی از این طریق مردم به سلطان می‌رسند، سپس (بدانید) که صراط حق همان است که مولی علی(ع) بر آن است.

با این توضیح معنای ادلاء علی صراطه روشن شد که راه سعادت آن راهی است که امامان علیهم السلام علمدار آنند. در تمامی عرصه‌ها باید این معیار را مد نظر داشت. در عرصه فردی و سیر و سلوک الی الله، مسیری مسیر عرفان ناب که جلودار آن اهل بیت علیهم السلام باشند و رهنمود و دستورالعمل، همان است که این راهنمایان الهی ترسیم کرده‌اند، در عرصه سیاسی و اجتماعی و... و... نقشه راه همان است که آنان ترسیم کرده‌اند و غیر آن بیراهه است.

■ عصمت امامان

«عصمکم الله من الزلل و آمنکم من الفتن و طهرکم من الدنس و اذهب عنکم الرجس و طهرکم تطهیرا؛ خداوند شما را از لغزشها مصون داشت و از فتنه‌ها در امانتان داشت و از آلودگی‌ها پاکتان گردانید و از هرگونه پلیدی شما را پاک نمود، پاک نمودنی!».

مستقیم آمده است. و به صراحت راه بندگی خداوند به عنوان صراط مستقیم معرفی شده است: «ان الله ربی و ربکم فاعبدوه هذا صراط مستقیم»^(۲) همانا خداوند رب من و شماست او را عبادت کنید که این صراط مستقیم است.

«و ان اعبدونی هذا صراط مستقیم»^(۳) و فقط مرا پرستید که این راه مستقیم است.

تجلی این صراط مستقیم در بین بندگان، نبی اکرم(ص) و امامان معصوم‌اند «و اتبعون هذا صراط مستقیم»^(۴) از من تبعیت کنید که این راه مستقیم است. آن کس که تمسک به آنان کند در حقیقت رهرو

عصم از ریشه عصمت به معنای حفظ همراه با دفع است.

زلل به معنای خطا و لغزش است در اصل به معنای رها شدن غیر ارادی (بالغزیدن) و زلل است، آب گوارا را زلال می‌نامند چون در پشت زبان انسان می‌لغزد و پایین می‌رود بر خلاف آب غیرگوارا که در دهان می‌ماند و فرو نمی‌رود. زله لغزشی با معصیت شقاوت است چون در لغزش قصد گناه نیست اما در معصیت مرتکب آن از اول به قصد آن وارد می‌شود بر خلاف لغزش.^(۸) آمنکم از ریشه امن ایمن ساختن است.

فتن جمع فتنه است ریشه این لغت به معنای چیزی است که روشن کننده هویت است. قرار دادن طلا در کوره تا طلای خوب و خالص از ناخالص شناخته شود. بهمین مناسبت است که ابوفارس فتنه را به معنای ابتلاء و امتحان گرفته است.^(۹) زیرا که با آن هویت و حقیقت انسان روشن می‌شود این واژه در قرآن در معانی ذیل به کار رفته است:

۱- آزمایش و امتحان احسب الناس ان یترکوا ان یقولوا آمنا و هم لا یفتنون؛^(۱۰) مردم می‌پندارند همین که گفتند ایمان آوردیم کافی است و آزمایش نمی‌شوند.

۲- فریب دادن یا بنی آدم لا یفتنکم الشیطان؛^(۱۱) ای فرزندان آدم شیطان فریبتان ندهد.

۳- بلا و عذاب «واتقوا فتنه لاتصیبن الذین ظلموا منکم خاصة؛^(۱۲) از عذابی بترسید که به ستمگران تنها اختصاص ندارد.» (ترو خشکش همه با هم بسوزد)

۴- شرک و بت پرستی و سدر راه مؤمنان «و قاتلوه حتی لاتکون فتنه و یکون الدین کله لله...؛^(۱۳) با آنها بجنگید تا شرک و بت پرستی باقی نماند و دین مخصوص خدا گردد.»

۵- اضلال و گمراهی «و من یرد الله فتنته فلن تملک له من الله شیئا؛^(۱۴) و هر کس را که خداوند گمراه سازد برای او در قبال خداوند کاری نتوانی کرد.»

ع سوختن در آتش مانند «یوم هم علی النار یفتنون؛^(۱۵) قیامت آن روزی است که آنها را بر آتش می‌سوزانند.»

طهرکم بمعنای پاکی از آلودگی است هم بر طهارت ظاهری به کار رفته «و ثیابک فطهر؛^(۱۶) و لباسهایت را پاکیزه ساز» هم در طهارت معنوی «لم یرد الله ان یطهر قلوبهم؛^(۱۷) آنها یند کسانی که خداوند نخواسته دل‌هایشان را پاک کند...».

دنس نطقه مقابل طهارت است بمعنای چرک و آلودگی ظاهری یا معنوی.

رجس بمعنای پلید و آلوده است چه آلودگی ظاهری و چه آلودگی معنوی. در قرآن کریم در هر دو نوع به کار رفته است. اما رجس ظاهری «...ألا ان یکون میتة او دماً مسفوفاً اولحماً خنزیر فانه رجس...؛^(۱۸) مگر آنکه مردار باشد یا خونی که از بدن حیوان بیرون ریخته و یا گوشت خوک که اینها همه پلیدند...»

در این آیه دم مسفوح مصداق پلیدی ظاهری است و میتة و لحم خنزیر مصداق پلیدی معنوی است. در اکثر موارد در قرآن رجس در پلیدی معنوی به کار رفته است به عنوان نمونه:

در آیه ۹۰ سوره مائده شراب و قمار رجس نامیده شده است:

«یا ایها الذین آمنوا انما الخمر و المیسر و الانصاب و الازلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید جز این نیست که شراب و قمار و بت‌های نصب شده (عبادت آنها، قربانی برای آنها و خوردن گوشت آن قربانی) و تیرهای قرعه قمار نجس و پلید و از اختراعات شیطان است پس از آنها دوری کنید شاید رستگار شوید.»

روشن است که شراب و قمار پلیدی معنوی است. پلیدی ظاهری نیست که هر کس به طبع انسانی‌اش از آن اجتناب نماید مثل خون.

در آیه ۹۵ سوره توبه منافقان رجس نامیده شدند:

«...فاعرضوا عنهم انهم رجس...؛ از آنها اعراض کنید زیرا آنها پلیدند و ناپاک.» نیز در سوره توبه آیه ۱۲۵ «و اما الذین فی قلوبهم مرض فزادتهم رجساً الی رجسهم...؛ اما کسانی که در دل‌های آنها بیماری (شرک و کفر و نفاق) است پلیدی بر پلیدی آنها افزود و مردند در حالی که کافر

بودند.»

تردید نیست که این پلیدی، پلیدی معنوی است نه پلیدی ظاهری، در آیه ۳۰ سوره حج بت پرستی رجس نامیده شده است: «...فاجتنبوا الرجس من الاوثان...؛ پس از پلیدی که عبارت از بت‌هاست اجتناب کنید...»

«آیه تطهیر» از جمله ادله عصمت امامان سلام الله علیهم اجمعین است ما در گذشته در ذیل کلمه، «المعصومون» از عصمت بحث کرده‌ایم. در اینجا بحثمان را متمرکز در آیه تطهیر می‌نماییم.

■ آیه تطهیر برهان عصمت امامان «...انما یرید الله لیزهّب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً؛^(۱۹) خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.» این آیه شریفه از دلایل قرآنی عصمت اهل بیت است و طهارت است، مبانی این دلیل عبارتند از:

رجس چیست؟

الف: مقصود از رجس هر نوع گناه و خلاف است اعم از شرک و غیره و گناه کبیره و صغیره.

از مصادیق بارز رجس در آیه قطعاً هرگونه گناه است چه گناه کبیره و چه صغیره نه تنها شرک و گناهان کبیره زیرا هیچ دلیلی بر این تخصیص نیست. در این آیه پلیدی به طور مطلق با الف و لام جنس الرجس را از اهل بیت علیهم السلام نفی کرده است و این یعنی عصمت و اگر مقصود نفی مرتبه‌ای از رجس مانند گناه کبیره بود نفی رجس به صورت نفی جنس و تأکید آن با جمله لیطهرکم مناسب نبود.

کدام اراده؟

ب: مقصود از اراده در جمله انما یرید الله اراده تکوینی است نه تشریحی یعنی خداوند از اهل بیت رجس را انجام می‌دهد نه اینکه آنرا از اهل بیت می‌خواهد.

■ اراده تکوینی خداوند تخلف‌ناپذیر است:

«انما امره اذا اراد شیئاً ان یقول له کن فیکون؛^(۲۰) فرمان او جز این نیست که هرگاه

هستی چیزی را بخواهد به آن فرمان می‌دهد باش و آن نیز موجود می‌گردد.»
 خداوند اراده این پاکی را در مورد اهل بیت علیهم السلام نموده و این افتخاری است برای اهل بیت. اما اراده تشریحی خداوند مبنی بر پاکی و آوردن واجبات و ترک محرمات اختصاصی به اهل بیت ندارد همه باید در پی پاکی باشند. نشان آنکه این اراده تکوینی است اینست که اراده خداوند بر فعل خویش اذهاب رجس و تطهیر تعلق گرفته نه بر فعل دیگری و این لحن جز با اراده تکوینی سازگار نیست. این اراده با واژه آنما که دال بر حصر است آمده و هدف مورد نظر افزای عصمت فقط بر اهل بیت علیهم السلام می‌باشد.

■ اهل بیت کیانند

ج: اهل بیت (ع) کیانند؟ طبق روایات فراوانی که از شیعه و اهل سنت رسیده است اهل البیت عبارتند از پیامبر اکرم (ص) امیرمؤمنان علی (ع) حضرت زهرا سلام الله علیها و حضرت امام حسن و حضرت امام حسین (ع).

این روایات را می‌توان در چند عنوان مطرح کرد:

۱- روایاتی که از خود همسران پیامبر نقل شده که هنگامی که پیامبر سخن از این آیه شریفه می‌گفت ما از او سؤال کردیم که جزء آن هستیم؟ حضرت فرمود شما خوبید اما مشمول این آیه نیستید.^(۲۱)

۲- روایات بسیار فراوانی در مورد حدیث کساء به طور اجمال وارد شده که از همه آنها استفاده می‌شود که پیامبر (ص)، علی (ع) و فاطمه سلام الله علیها و حسن (ع) و حسین (ع) را فراخواند پیامبر عبائی بر آنان افکند و فرمود خداوند اینها خاندان منند رجس و آلودگی را از آنها دور کن در این هنگام آیه تطهیر نازل گردید.^(۲۲)

۳- در روایات فراوانی آمده است که بعد از نزول آیه فوق پیامبر (ص) به مدت شش ماه هنگامی که برای نماز صبح از کنار خانه فاطمه می‌گذشت صدا می‌زد: «الصلوة یا اهل البیت انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً!»^(۲۳) هنگام نماز است ای اهل بیت، خداوند

می‌خواهد پلیدی را از شما اهل بیت دور کند و شما را پاک سازد.»

۴- در روایات متعددی که می‌توان آنها را متواتر نامید از ابوسعید خدری صحابی معروف نقل شده که به صراحت گواهی می‌دهد این تنها درباره همان پنج تن نازل شده است.^(۲۴)

این روایات به قدری زیاد است که جای تردید باقی نمی‌گذارد در احقاق الحق بیش از هفتاد منبع از منابع معروف اهل سنت گردآوری شده است.^(۲۵)

طبری در تفسیر خود هفده حدیث در این زمینه آورده است.^(۲۶)

جلال الدین سیوطی چهارده حدیث در این باره آورده است.^(۲۷)

آنها سند این احادیث را به ابوسعید خدری، انس بن مالک، ابواسحق و ائمه بن اصقع، ابوهریره، ابوالحمر، سعد بن وقاص، علی بن الحسین، عائشه و... رسانده که سند شش حدیث به ام سلمه منتهی می‌گردد نویسنده کتاب شواهد التنزیل که از علمای معروف اهل سنت است بیش از ۱۳۰ حدیث در این زمینه نقل کرده است.^(۲۸)

سید هاشم بحرانی از علمای بزرگ شیعه در کتاب غایة المرام ۴۱ حدیث از کتابهای اهل سنت و سی و چهار حدیث از کتابهای شیعه آورده است.^(۲۹)

همو در کتاب تفسیر برهان شصت و پنج حدیث در این زمینه آورده است.^(۳۰)

شیخ عبد علی عروسی هویزی در تفسیر نورالثقلین بیست و پنج حدیث در این زمینه آورده است.^(۳۱)

در کتاب احقاق الحق بیش از هزار منبع از منابع شیعه برای این حدیث بیان شده است.^(۳۲)

■ اهل بیت از نگاه صحابه

نگاه اصحاب پیامبر اکرم (ص) که حضرت را درک کردند نگاهی جز این نبود که مراد از اهل بیت فقط خمس طیبه طاهره‌اند شاهد این مطلب روایاتی است که در این زمینه نقل کرده‌اند به عنوان نمونه:

۳ روایت در این زمینه از ابوسعید خدری رسیده است.^(۳۳)

۲ روایت از جابر بن عبدالله انصاری

رسیده است.^(۳۴)

۵ روایت در این زمینه از عبدالله بن عباس رسیده است.^(۳۵)
 و روایات دیگری از ابوبرزه، ابوالحمر، ابولیلی انصاری، انس بن مالک، براء بن عازب، ثوبان، زید بن ارقم، زینب بنت ابی سلمه، سعد بن ابی وقاص، صبیح مولی ام سلمه، عبدالله بن جعفر، عمر بن ابی سلمه، وائله بن اصقع و... رسیده است.^(۳۶)



پی‌نوشت‌ها:

۱. سوره صافات، آیه ۲۳.
۲. سوره آل عمران، آیه ۵۱.
۳. سوره یس، آیه ۶۱.
۴. سوره زخرف، آیه ۶۱.
۵. تفسیر مرآة الاتوار، ص ۲۱۲، که به عنوان جلد اول تفسیر برهان چاپ شده است.
۶. همان.
۷. همان.
۸. ادب فناء مفریان، ج ۵ ص ۱۲ و ۱۴.
۹. مقائس اللغه، ج ۴، ص ۴۷۲، کلمه "قنن".
۱۰. سوره عنکبوت، آیه ۲.
۱۱. سوره اعراف، آیه ۲۷.
۱۲. سوره انفال، آیه ۲۵.
۱۳. همان، آیه ۳۹.
۱۴. سوره مائده، آیه ۴۱.
۱۵. سوره ذاریات، آیه ۱۳.
۱۶. سوره مدثر، آیه ۴.
۱۷. سوره مائده، آیه ۴۱.
۱۸. سوره انعام، آیه ۱۴۵.
۱۹. سوره احزاب، آیه ۳۳.
۲۰. سوره یس، آیه ۸۳.
۲۱. مجمع البیان، ج ۸ ص ۲۵۷. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۵۶.
۲۲. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۵۲ و منابع الموده، ج ۳، ص ۳۶۸ و امالی شیخ طوسی، ص ۵۶۴.
۲۳. اسد الغابة، ج ۶ ص ۷۴. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۷۴. امالی شیخ طوسی، ص ۵۶۵. منابع الموده، ج ۳، ص ۳۸۳. امالی شیخ صدوق، ص ۱۲۴.
۲۴. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۲۱ به بعد. الدر المنثور، ج ۶ ص ۶۰۴ نیز در رابطه با روایات مراجعه کنید به اهل البیت فی الکتاب و السنة، از ص ۳۳ تا ۷۱.
۲۵. احقاق الحق، ج ۲، و باورقیهای آن.
۲۶. تفسیر طبری، ج ۲، ص ۷۵.
۲۷. تفسیر الدر المنثور، ج ۵ ص ۱۹۸ و ۱۹۹.
۲۸. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۰ تا ۱۹۲.
۲۹. غایة المرام، ص ۲۸۷ تا ۲۹۲.
۳۰. تفسیر برهان، ج ۳، ص ۳۰۹ تا ۳۲۵.
۳۱. تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۲۷۰ تا ۲۷۷.
۳۲. احقاق الحق، ج ۲.
۳۳. تفسیر طبری، ج ۱۲، جزء ۶/۲۲۲ تاریخ بغداد، ج ۱۰، ص ۲۷۸. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۲۸.
۳۴. مجمع البیان، ج ۸ ص ۵۶۰. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۲۸.
۳۵. المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۱۴۴. مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۷۰۸. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۵۰. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۷۹.
۳۶. رجوع کنید به کتاب اهل البیت فی الکتاب و السنة، ص ۳۳ تا ۵۵ تحت عنوان اصحاب النبی (ص) و معنی اهل البیت.